



عنوان کتاب: ویفی بوگندو  
 نویسنده: کای یومان اسکای  
 مترجم: فریبا کلهر  
 تصویرگر: گریس اسمدلی  
 ناشر: خانه  
 نوبت چاپ: اول - ۱۳۷۸  
 شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه  
 تعداد صفحات: ۱۶۴ صفحه  
 بها: ۶۳۰ تومان

## این چوب جارو دیگر پیر است!

● افسانه شاپوری

غلبه بر ترس عمیق خود از خطرهای طبیعی، به این نتیجه رسید که می‌توان با اجرای آیین و مناسک و خواندن اوراد خاص، نیروهای موجود در هر پدیده را با نیازهای خود هماهنگ ساخت.<sup>۲</sup> با توجه به نشانه‌هایی که در داستان آمده و زندگی مصرفی جادوگرها را به تصویر کشیده است، در لایه ژرف ساخت قصه می‌توان جنگل جادوگران را نماد جهان امروز به شمار آورد که به تعبیری، به وسیله قوانین جادویی علم و تکنولوژی، کنترل و تنظیم می‌شود. بنابراین، می‌توان این دنیا را در مقابل دنیای بدوی و غارتشینی گوبلین‌ها و در تضاد با آن، مورد توجه قرار داد. به این نمونه‌ها دقت کنید:

«شارکادر به ویفی گفت: «از خودت پذیرایی کن.» در واقع شارکادر می‌بایست ویفی بوگندو را از خانه‌اش بیرون می‌انداخت. اما حرف‌هایی که ویفی درباره جشن زده بود، حسابی حس کنجکاویش را تحریک کرده بود.»  
 «ویفی بوگندو گفت: «متشکرم دارم این کار را می‌کنم.» و در حالی که با یک دست، یک بشقاب پر و با دست دیگر، دو فنجان آب گنداب داغ و غلیظ گرفته بود، دور میز چرخ می‌خورد. سه تکه نان زنجبیلی قورباغه‌ای توی دهانش انداخت و پنج حبه قند توی فنجانش. سپس با شانه مخصوص دادلی آب گنداب را به هم زد. همین موقع خودش را روی صندلی انداخت و با سرآستین‌های بلند و کیشفش دوردهانش را پاک کرد. پاهایش را روی میز گذاشت.» «صص ۱۵ و ۱۶»

«آن روز شارکادر مدت زیادی را صرف خود آرایی کرد، تمام چین و چروک‌های صورتش را با کرم

«وودی» چوب جاروی ویفی که از بیکاری حوصله‌اش سررفته است، پرواز می‌کند و ناخواسته، از سرزمین گوبلین‌ها سر در می‌آورد و به دام آنها می‌افتد، اما پس از چندی، از بندشان می‌گریزد. «وودی» به دلیل نقض قوانین جادوگرها، احساس پشیمانی می‌کند و با به کار بردن ترفندهایی، می‌کوشد. به آنها بفهماند که گوبلین‌ها می‌خواهند به آنها حمله کنند. البته، این کار به دشواری صورت می‌گیرد؛ چون هیچ یک از جادوگرها حاضر نیستند با او ارتباط بگیرند. علتش این است که عوارض استفاده از «زبان چوبی» وحشتناک است. داستان، یک فانتزی جادویی است که کارکرد سرگرمی و جانشین‌سازی (جانشین ساختن سرزمین جادوگران به جای دنیای واقعی) و اخلاقی - تربیتی (همدردی و همدلی جاروها با وودی) دارد. شخصیت‌های داستان که برگرفته از دنیای کهن هستند، در طی ماجراها و حوادث داستانی شکل می‌گیرند.

### دنیای فانتزی

در فانتزی‌ها زمین دو گونه است؛ یا زمین واقعی است و یا زمین دنیای تخیلی. زمین دنیای فانتزی، نسخه تخیلی زمین واقعی است.<sup>۱</sup> در داستان، شاهد دو دنیای متفاوت هستیم؛ جنگل جادوگران و مکان زندگی گوبلین‌ها، «غاری در کوهستان» که مجاور جنگل است. جادوگرها در سرزمین خود تابع قوانین خاصی هستند. آنها به ابزار جادو مجهز هستند و در نتیجه، بر گوبلین‌ها تسلط دارند. گوبلین‌ها موجوداتی هستند که به صورت بدوی و در غار زندگی می‌کنند؛ زیرا ساحر بزرگ، با یک ورد جادویی، آنان را به غار تبعید کرده است.

### شخصیت‌های فانتزی

الف: جادوگرها: مسئله جادو و جادوگری، در مرحله‌ای از زندگی انسان ابتدایی پیدا شد که او برای

مخصوص پر کرد، هر سانت از دماغ درازش را کاملاً با پودر پوشاند و پشت چشمانش را با ماده‌ای سبزرنگ و شیطانی سایه زد و با یک جفت مژه مصنوعی که از پاهای عنکبوت ساخته شده بود، چشمانش را زینت داد.» «صص ۷ و ۸»

هم چنین، مطرح کردن جشن هالوین توسط جادوگران<sup>۳</sup> (ص ۹)، به این تشابه دامن می‌زند.

ب: گوبلین‌ها: در فرهنگ اساطیری و پریان‌شناسی اروپا، گوبلین‌ها موجودات کوچک، با ظاهر انسان، اما از خانواده پریان هستند. این موجودات، ریشه در اسطوره‌ها و باورهای سنتی و ابتدایی پیشین از دوران مسیحیت دارند.<sup>۴</sup>

سرگذشت هفت گوبلین، شباهت زیادی به داستان اصحاب کهف دارد. به نظر می‌رسد ساحر بزرگ (که گوبلین‌ها را به غار تبعید کرده است) همان قیصر دقیانوس باشد که اصحاب کهف، از دست او به غار گریختند.<sup>۵</sup> نویسنده با الهام از قصه اصحاب کهف و ترکیب آن با الگوی موجودات اساطیری (گوبلین‌ها)، شخصیت‌های تازه‌ای آفریده است.

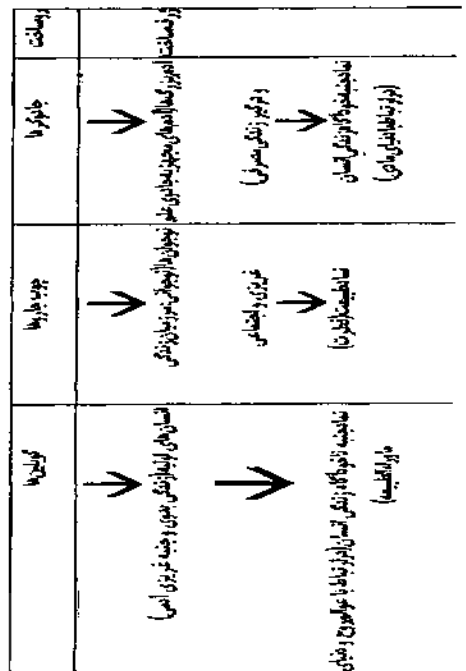
بنابراین، در لایه عمیق‌تر داستان، جادوگرها نماد جنبه خودآگاه زندگی انسان و گوبلین‌ها نماد جنبه ناخودآگاه زندگی (در ارتباط با عوالم روح یا دنیای ماوراءالطبیعه) هستند. به قولی، نویسنده تقابل میان زندگی بدوی (جنبه غریزی انسان) و زندگی مصرفی (جامعه صنعتی) و در لایه عمیق‌تر آن، مبارزه میان دو بخش از وجود آدمی، جنبه ناخودآگاه (ارتباط با ماوراءالطبیعه) و جنبه خودآگاه (در ارتباط با دنیای مادی) را مورد توجه قرار می‌دهد.

وسيله ارتباط میان جادوگران و گوبلین‌ها که باعث آشتی آنها نیز می‌شود، «وودی» یا چوب جاروی «ویفی» است. او ناخواسته، نقش میانجی را ایفا می‌کند و به جنگ آنها خاتمه می‌دهد. «وودی» که از جنس چوب و نمادی از طبیعت یا جنگل است، در ژرف ساخت داستان، معنایی عمیق‌تر نیز دارد. وقتی چوب جاروهای دیگر می‌گویند که وودی دیگر یک چوب جاروی پیراست، به این مسئله توجه دارند که او کودکی را پشت سر گذاشته و به مرحله نوجوانی رسیده است. شخصیت وودی، نوجوانی را به یاد می‌آورد که از سر بازیگوشی و کنجکاوی، تصمیم می‌گیرد به تنهایی و بدون اجازه بزرگترها، به پرواز دست بزند. وودی نماد «نوجوانی» است و قوانین کتاب جادوگرها همان بکن، نکن‌های آدم‌بزرگ‌هاست که به بچه‌ها تحمیل می‌شود.

«وودی با خودش کمی فکر کرد. سپس گفت: «فهمیدم! می‌روم و کمی پرواز می‌کنم. تنها و بی‌سروصدا درس‌ها و آموزش‌های پرواز را هم دوره می‌کنم. الان دارد باد می‌آید؛ پس بزن بریم. ولی این کار وودی به هیچ وجه مجاز نبود. چون توی کتاب جادوگرها دقیقاً نوشته شده بود که جاروها در موارد زیر نباید پرواز کنند:

(۱) درطول ساعات روز که هوا روشن است.  
 (۲) بدون جادوگرها. مگر اینکه اجازه کتبی داشته باشند. ولی وقتی حوصله‌ات سررفته باشد، هر کار احمقانه‌ای ممکن است انجام بدهی. بالاخره وودی

داستان، لایه‌های متفاوت دارد. در نتیجه، شخصیت‌های داستانی در هر لایه، نماد و مفهوم خاص خود را دارند. نمودار زیر بیانگر این نکته است:



### چند نکته فنی

کلمه «بونگدو» در عنوان کتاب، کلمه‌ای نازیباست و بر زبان و فرهنگ مخاطبان نوجوان اثر سوء خواهد داشت. کلمه «pong» در شناسنامه کتاب که ظاهراً باید معنای این کلمه باشد، در فرهنگ لغت انگلیسی به انگلیسی «oxford» مترادفی ندارد. جنبه تبلیغاتی پشت جلد و صفحه آخر کتاب، از ارزش کتاب کاسته است. آیا قصد ناشر، معرفی مترجم است یا تبلیغ برای فروش کتاب؟! (صفحه آخر)، کادر بسته و محدود تصویر روی جلد و شلوغی آن، به دلیل استفاده از تصاویر کوچک در اطراف تصویر اصلی برای پرکردن کادر، و به کار بردن نابجای کلمات و عنوان کتاب بر روی جلد، سبب اغتشاش ذهنی می‌شود. تصاویر داخل کتاب، در ابعاد کوچک و گاه غیر قابل تشخیص هستند (صفحه ۷۱). تمام این ویژگی‌ها، ظاهر کتاب را به کتاب‌های بازاری شبیه ساخته است و مخاطب نوجوان، تنها زمانی که آن را مطالعه می‌کند، به عمق و زیبایی آن پی خواهد برد.

### پانویسها:

- ۱- فانتزی در ادبیات کودکان / محمد مهدی محمدی / نشر روزگار / ۱۳۷۸.
- ۲- فانتزی در ادبیات کودکان / محمد مهدی محمدی / نشر روزگار / ۷۸۹.
- ۳- مسیحیان کاتولیک، آخرین روز تابستان، یعنی ۳۱ اکتبر را جشن می‌گیرند. آنها عقیده دارند در این روز، ارواح شیطانی و یک جادوگر به میان مردم می‌روند و فقط با آتش و نور، دود می‌شوند. از خود کتاب نقل شده است.
- ۴- فانتزی در ادبیات
- ۵- قصه اصحاب کهف، نخست در مسیحیت روایت شده و سپس به اسلام رسیده است و به سخی دیگر، از حبشه تا اسکندریاوی مشهور بوده است. در غرب، داستان را به زبان‌های فرانسه و آلمانی و انگلیسی و... نقل کرده‌اند. پژوهشی در قصه اصحاب کهف، جلال ستاری.

## نقد و بررسی

# گشت و گذاری با آدم‌های بایرامی

■ عنوان کتاب: کوه مرا صدا زد  
■ نویسنده: محمدرضا بایرامی  
■ ناشر: حوزه هنری، سازمان تبلیغات اسلامی  
■ نوبت چاپ: اول - ۱۳۷۱  
■ شمارگان: ۱۱۰۰۰ نسخه  
■ تعداد صفحات: ۱۲۰ صفحه  
■ بهای: ۳۸۰ تومان

● مصطفی ناهید

هم عصر و عقیده‌اش متفاوت است. از آن جهت که قهرمان او در برابر یک ضدقهرمان بی‌دین و لائیک یا یک ضدانقلاب یا... قرار نمی‌گیرد. (۲) «جلال» نوجوانی است که فارغ از عقیده و دغدغه‌های اجتماعی رایج و تئوریزه شده، در شرایطی قرار می‌گیرد که مسوولیت‌های جدید زندگی، او را می‌آزمایند. او قهرمان بی‌نقص و عیب نیست. او نوجوانی است که مجبور است در مسیر زندگی خود، جهش کند و وظایف سنگین‌تری را عهده‌دار گردد.

### مشکل بایرامی

مشکل بایرامی، مشکل بسیاری از نویسندگان واقع‌گرا است که به راحتی از فراز و فرود اجتماعات و آدم‌های داستان عبور نمی‌کنند. این ضعف عمدتاً به نقش مطالعات و پژوهش‌های انسان‌شناسی نویسندگان و داستان‌نویسان در ساخت داستان بازمی‌گردد. متأسفانه، جامعه روستایی و شهری و آدم‌های متعلق به این جوامع، متناسب با زمان و عینیت‌های بیرون از دنیای داستان پدید نمی‌آیند. گویا نویسنده خود را متعهد به دنیای بیرون از داستان نمی‌بیند. بیشتر نویسندگان بعد از انقلاب، به طرق مختلف، عنصر «زمان» را از آثارشان حذف کرده یا آن را در هاله‌ای از ابهام قرار داده‌اند.

نثر ساده و روان بایرامی، آثارش را از فضاهای تصنعی و ذهنی محض دور می‌کند. بایرامی، چشم بر دردها و نواقص جامعه‌اش نبسته است. خود دردمند است، آن‌سان که نوشته‌هایش حکایت از آن دارد. از این رو، اگر نسل نویسندگان بعد از انقلاب را به لحاظ نگاهی که به رویدادهای اجتماعی و سیاسی داشته‌اند، تقسیم‌بندی کنیم، بایرامی از بسیاری از نویسندگان که کوشیده‌اند گذشته را به طور مطلق نفی و حال را یکسره تأیید کنند، فاصله گرفته است.

بایرامی، در برخورد با «جنگ» علی‌رغم فضای آکنده از شعار، احساسات و نگاه جانبدارانه و تک بعدی نسبت به این موضوع، با نگاهی هوشمندانه در کتاب «دود پشت تپه» (۱) تصویری دیگر از جنگ پیش‌روی خواننده قرار می‌دهد. ناپینایی که شخصیت اصلی داستان بایرامی است، ضمن آنکه انسانی است فداکار با تمام خصوصیت‌هایی که هر انسان نوعی دارای آن صفات است، درست مقابل شخصیت‌های اسطوره‌ای قرار می‌گیرد. شخصیت‌های بایرامی، به معنای واقعی کلمه، زمینی و زنده‌اند.

بایرامی را نمی‌توان در گروه بعضی از نویسندگان هم عصر خودش ارزیابی کرد. باور بایرامی و نگاه او به اجتماعی که در کتاب «کوه مرا صدا زد» توصیف می‌کند، تعلق و پیوند او را به نسل پیش از خود نشان می‌دهد. روستای بایرامی با روستای بعضی دیگر از نویسندگان

